

## نقش قطعنامه ۲۲۱۶ شورای امنیت در اجرای حقوق بشردوستانه بحران یمن

حسین اسماعیل نسب \*

### چکیده

بحران‌های داخلی، امروزه متأثر از توجهات بین‌المللی و مطالبات گروه‌های مخالف، با واکنش‌های متفاوتی از سوی شورای امنیت به‌عنوان مسئول اولیه حفظ صلح و امنیت بین‌المللی روبه‌رو هستند، که ممکن است در برخی بحران‌ها، شورای امنیت تحرکات و درگیری‌های داخلی را حق بر تعیین سرنوشت برشمارد و مطابق اصل عدم مداخله در امور داخلی کشورها، وقعی بدان نهد. اما بحران یمن به دلیل مسلحانه بودن نوع اعتراضات و دخالت سازمان‌های منطقه‌ای همچون شورای همکاری خلیج فارس و موقعیت ژئوپلیتیک و ژئواستراتژیک این کشور بر خلیج عدن، موجب شد تا شورای امنیت در قطعنامه ۲۲۱۶ اصداری خود، صلح و امنیت جهانی را به دلیل تحولات آن کشور در معرض خطر اعلام و صریحاً خواستار رعایت حقوق در جنگ و انجام عدالت انتقالی شود. لذا در این پژوهش به شیوه تحلیلی - توصیفی، به نقد نقش قطعنامه ۲۲۱۶ در اجرایی شدن حقوق بشردوستانه با رویکردهای مورد نظر آن قطعنامه از جمله ایجاد شرایط عدالت انتقالی، تحریم اشخاص، منع به کارگیری کودکان در جنگ و تضمین رعایت حقوق بشردوستانه در طی جنگ پرداخته‌ایم و این نتیجه حاصل شده است که، قطعنامه علیرغم توجه به مقوله حقوق بشردوستانه، فاقد اهرم فشار و نظارتی کافی جهت اعمال نمودن حقوق بشردوستانه توسط تمام طرفین درگیر در جنگ و ایجاد شرایط‌گذار عدالت انتقالی است.

کلید واژگان: حقوق بشردوستانه، شورای امنیت، بحران یمن، عدالت انتقالی، قطعنامه ۲۲۱۶.

\* مدرس دانشگاه، دانشجوی دکتری حقوق بین‌الملل، دانشگاه مفید؛ [hossein.esmaeilnasab@gmail.com](mailto:hossein.esmaeilnasab@gmail.com)

---

## نقش قطعنامه ۲۲۱۶ شورای امنیت در اجرای حقوق بشر در دوستانه بحران یمن

---

حسین اسماعیل نسب \*

### دیباچه

شاید بتوان اصلی‌ترین هوشمندی انصارالله در یمن را رسیدن به یک تفاهم‌نامه با جنبش حراک جنوبی برای سپردن بخش جنوب یمن به این جنبش دانست تا ادعای دولت جدید جهت شناسایی شدن و پذیرش مسئولیت بین‌المللی را از خود سلب نماید. انصارالله با توجه به مناطق استراتژیک شمال یمن در مرز عربستان و استان مارب که دارای ویژگی‌های ژئوپلیتیکی مهمی است، تمرکز خود را به شمال معطوف کرده. این حرکت ضمن کم کردن فشار از روی نیروهای انصارالله، آنان را از اصلی‌ترین اتهام‌ها مبنی بر تسلط یک‌جانبه بر کل یمن (به‌عنوان دولت) مبرا و لذا صلح یمنی- یمنی را بیش از پیش تقویت کرد. لذا با شروع حملات هوایی عربستان از فروردین ماه ۹۴ به یمن، بسیاری از تحلیل‌گران، قدرت نیروی هوایی عربستان و درگیری انصارالله با مخالفان داخلی خود، از جمله عبد ربه منصورهادی و

---

\* مدرس دانشگاه، دانشجوی دکتری حقوق بین‌الملل، دانشگاه مفید؛ [hossein.esmaeilnasab@gmail.com](mailto:hossein.esmaeilnasab@gmail.com)

فصلنامه مطالعات بین‌المللی (ISJ) سال سیزدهم، شماره ۱، تابستان ۱۳۹۵، صص ۱۵۷-۱۲۷

القاعده در جنوب یمن را اصلی‌ترین دلایل تصمیم عربستان برای انتخاب راه‌حل نظامی می‌دانستند. آل سعود با اتخاذ راه‌حل نظامی به دنبال نابودی انصارالله در یمن بود.

با آغاز تهاجم عربستان به یمن، آل سعود در کنار تلاش برای استخدام نیروهای زمینی مصر، پاکستان و بحرین و همچنین مشارکت اماراتی‌ها برای جبران کمبود نیروی زمینی خود، قطعنامه‌ی ۲۲۱۶ را در شورای امنیت با همراهی دیگر کشورهای غربی تصویب نمود تا دست برتر خود را تثبیت نموده باشد. این قطعنامه در ۲۵ فروردین ماه به تصویب شورای امنیت رسید. قطعنامه شورای امنیت نه تنها اشاره‌ای به حمله عربستان به یمن نمی‌کرد بلکه از انصارالله می‌خواست از صنعا و دیگر شهرها نیروهای نظامی خود را خارج کند و از تهاجم موشکی به کشورهای همسایه یمن خودداری ورزد. قطعنامه هم‌چنین عبدربه منصورهادی را در چارچوب طرح شورای همکاری خلیج فارس به عنوان رئیس‌جمهور یمن برای آغاز راه‌حل سیاسی مفروض می‌گیرد و همه را به حمایت از این طرح ملزم می‌کند. این موضوع حکایت از سناریو کشورهای ضعیف و مطیع در سراسر خاورمیانه و آفریقا است که در حال پیگیری است. این سناریو در سایه غفلت جهان اسلام در سودان پیگیری شد و به نتیجه رسید و پروژه استقلال قسمت نفت خیز سودان یعنی بخش جنوبی آن که دارای اکثریت مسیحی بودند با توطئه صهیونیست‌ها اجرا شد. نیجریه دیگر کشور قربانی این سناریو، از لحاظ وسعت و جمعیت و ذخائر زیر زمینی بالا، دولت مرکزی ضعیف، وجود ساختار قبله‌ای و دارا بودن جمعیت ۷۰ میلیونی مسیحی پتانسیل خوبی برای اجرا کردن سناریو سودان را داراست. این پروژه وقتی بیشتر رنگ واقعیت به خود می‌گیرد که بدانیم جمعیت مسیحیان نیجریه بیشتر در قسمت جنوبی آن زندگی می‌کنند و پروژه ایجاد فرآیند گذار سیاسی به شیوه عدالت انتقالی در این کشور نیز اجرا شد (jonglei, 2014).

زمینه اصلی آسیب‌پذیری دولت سودان نیز به جدایی بخش جنوبی این کشور و متعاقب آن از دست دادن ۷۵ درصد از درآمدهای نفتی برمی‌گردد که علاوه بر زمینه سازی برای وقوع بحران اقتصادی و نارضایتی مردمی، منجر به کاهش حمایت برخی متحدان سودان از جمله چین از دولت این کشور طی چند سال اخیر شده است (زرگری، ۱۳۹۳: ۱۷۵-۱۷۷). لذا می‌توان یکی از انگیزه‌های تغییر رفتار سودان و پیروی آن از عربستان را

دریافت کمک مالی برای مدیریت بحران اقتصادی و کاستن از نارضایتی‌ها همزمان با انتخابات سراسری تحلیل کرد. علیهذا اتحادیه آفریقا اگرچه در طول حیاتش توانسته است قدم‌های موثر و خوبی در همگرایی منطقه‌ای بردارد اما وجود بحران‌های فزاینده و غلبه گرایش‌های حوزه گرایی و گریز از مرکز در این قاره که بیشتر به تفاوت زبانی؛ فرهنگی و نژادی بر می‌گردد؛ موید آن است که این اتحادیه همانند سلفش سازمان وحدت آفریقا عملاً قادر به کنترل بحران‌ها و جریان‌های داخلی منازعه آمیز و گریز از مرکز این قاره نیست. موضوعی که نسبت به سازمان همکاری اسلامی (کنفرانس اسلامی) نیز در مقوله یمن عینیت یافته است. لذا در این نوشتار به دنبال بررسی قطعنامه ۲۲۱۶ و طرح مسقط و اجرایی نشدن مندرجات حقوق بشردوستانه‌ای قطعنامه ۲۲۱۶ شورای امنیت هستیم، موضوعی که سبب شده بی توجهی به آن و الزامات حقوق در جنگ<sup>۱</sup> بیش از ۳۳۴ هزار نفر بی خانمان، بیش از ۲۵۰ نفر در درگیری‌های دریایی کشته، بیش از ۲۶۰ هزار نفر با درخواست پناهندگی (unhcr report, 2015)، و نیاز بیش از ۷.۶ میلیون یمنی به غذا و داروهای فوری که نیازمند ورود از خارج از کشور می‌باشد (Yemen: UN report, 2015)، در یمن وضعیت اسفباری را طی ماه‌ها حمله ائتلاف به این کشور و تخریب زیر ساخت‌هایش فراهم آورد و شرایط عدالت انتقالی در سودان را یادآور شود.

## ۱. تالاشی شورای امنیت در ایجاد شرایط گذار سیاسی

### ۱.۱ - صلاحیت ذاتی شورا

علی‌رغم گذشت ۵۰ سال از صدور قطعنامه ۱۵۱۴ مجمع عمومی (مبنی بر حق تعیین سرنوشت) همواره کشورهای دارای حق و توسعه‌ی کرده‌اند که حق تعیین سرنوشت را بصورت مبهم و دو پهلو و بر اساس منافع خود تعبیر نمایند در حالیکه در ابتدا بر اساس این حق و با قطعنامه ۱۵۱۴ مخالف بودند چون این حق برای استعمار زدایی از قاره آفریقا و سایر مناطق اشغالی جهان مطرح شد. اما غربی‌ها سعی کردند بعد از فروپاشی شوروی تفسیر جدیدی از این قاعده ترسیم نمایند و آن را علیه کشورهای بی‌خود از مدافعین این حق

1 . jus in bello

بودند مانند یوگسلاوی بکار برند. علی‌رغم اینکه حق تعیین سرنوشت در دهها قطعنامه و بیانیه مورد تأکید قرار گرفته اما هیچ قاعده و اصلی در حقوق بین‌الملل وجود ندارد که بتوان بر اساس آن جدایی طلبی را توجیه کرد تنها استثناء رای مشورتی دیوان لاهه در سال ۲۰۱۰ در مورد کوزوو بود که یک بدعت خطرناک و در ضدیت با رویه سابق خود دادگاه و مغایر با منشور و میثاقین و در ضدیت با قطعنامه ۱۵۱۴ و بر خلاف بیانیه‌های وین و هلسینکی و خلاف رای دیوان عالی کانادا در مورد کبک تلقی می‌شود.

لذا بمانند تلاش‌های اولیه شورای امنیت از سال ۲۰۱۰ به بعد برای ایجاد شرایط گذار سیاسی در یمن، در سودان بعنوان موضوعی مشابه، پس از نیم قرن منازعه همه‌پرسی برای تعیین سرنوشت جنوب سودان از تاریخ ۱۹/۱۰/۱۳۸۹ به مدت یک هفته در راستای اجرای قاعده حق تعیین سرنوشت (Divisions in Sudan, 2011)، همه‌پرسی در سودان انجام شد که منجر به ایجاد دولتی جدید در قاره آفریقا گردید. جدایی جنوب سودان در صورتیکه دولت و مجلس سودان با آن مخالفت می‌کردند می‌توانست کار را دشوار نماید. اجرای حق تعیین سرنوشت برای جنوب سودان مصداق حقوقی نداشت اما از آنجا که رهبران سودان درک کرده‌اند که دنیای غرب برای جدایی جنوب سودان بسیار جدی و مصمم است و دولت سودان و اتحادیه عرب توان پرداخت هزینه‌های ادامه بحران با غرب را نداشت و در نتیجه تن به موافقت با حق تعیین سرنوشت و رفراندوم را داد و جدایی را بر ادامه منازعه ترجیح داد. قاعده تعیین سرنوشت در منشور سازمان ملل مطرح شد اما کشورهای استعمارگر غربی نسبت به آن بی‌اعتنا بودند تا اینکه قطعنامه ۱۵۱۴ سال ۱۹۶۰ مجمع عمومی به آن جنبه الزام آور داد و از همه کشورهای استعمارگر خواست تا فهرست و وضعیت سرزمین‌های مستعمره خود را به سازمان ملل ارایه و زمینه را برای اجرای این حق از طریق رفراندوم و یا شیوه‌های مناسب دیگر فراهم سازند.

قطعنامه‌های مجمع عمومی به شماره‌های: ۴۲۱ دسامبر ۱۹۵۰ - ۲۱۰۵ دسامبر ۱۹۶۵ - ۲۶۲۱ دسامبر ۱۹۶۵ - در قطعنامه‌های ۲۶۲۵ - ۲۶۲۷ و ۲۶۲۱ و ۲۷۳۴ سال ۱۹۷۰ - ۳۲۰۳ - ۲۹۵۵ سال ۱۹۷۲ - ۳۰۷۰ سال ۱۹۷۳ - ۳۳۱۴ - ۱۹۷۴ - در اعلامیه جهانی حقوق بشر و همچنین ماده یک بند یک از میثاقین ۱۹۶۶ "حقوق مدنی و سیاسی" و "حقوق

اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی“ که از سال ۱۹۷۶ لازم الاجرا شده‌اند نیز حق تعیین سرنوشت مورد تاکید مجدد قرار گرفته است. بیانیه“ اصول حقوق بین‌الملل در مورد روابط دوستانه و همکاری میان ملتها ۱۹۷۰ مجمع عمومی سازمان ملل، منشور آفریقایی حقوق بشر ۱۹۸۱ - اعلامیه جنبش غیر متعهدها درهاوانا سال ۱۹۶۱ - ماده ۷۲ قانون اساسی مصوب ۱۹۷۰ شوروی - سند پایانی هلسینکی یا بیانیه کنگره همکاری و امنیت اروپا ۱۹۷۵ - دیوان بین‌المللی دادگستری در رای‌های مشورتی خود در مواردی مانند قضیه صحرای غربی، موضوع نامیبیا و تیمور شرقی، اعمال“ حق تعیین سرنوشت“ را مورد تاکید و توصیه قرار داده است.

بر اساس اصل و یا حق تعیین سرنوشت<sup>۱</sup> و مطابق قطعنامه ۱۵۱۴ مجمع عمومی سازمان ملل تاکنون بیشتر از یکصد سرزمین و ملت (۳۲ کشور در آفریقا، ۲۱ کشور در آسیا، ۲۵ کشور در اروپا، ۱۷ کشور در قاره آمریکا و اقیانوسیه) توانسته‌اند کشورهای مستقلی را تشکیل و به عضویت سازمان ملل در آیند که آخرین آنها تیمور شرقی بود. معنی آن در دوره جنگ سرد ۱۹۵۰-۱۹۸۵ محدود به حق ملت‌های مستعمره برای تعیین آزادانه نوع حکومت و حاکمیت ملی و استقلال ملی مورد علاقه خود می‌شد ۲، امری که نقش شورای امنیت سازمان در تصدیق و تسریع روند آن بسیار تعیین کننده بوده است. لذا با توجه به مواد ۲۴ و ۲۵ منشور سازمان ملل، که بیانگر انتقال رضایی صلاحیت حفظ صلح و امنیت بین‌المللی از سوی کشورها به شورای امنیت و حتی قبول تصمیمات آن را در اجرا دارد، شورای امنیت صلاحیت گسترده تری را در ایجاد شرایط گذار سیاسی و تاکید بر حق تعیین سرنوشت در کشورها دارد.

1 . Self determination.

۲ . در سال ۲۰۰۴، در رای مشورتی مربوط به دیوار حائل، دیوان با یادآوری رای ۱۹۷۱ تاکید می‌کند که رویه‌اش در قضایای مذکور نشان می‌دهد که «حق مردم برای تعیین سرنوشت امروزه حقی“ عام شمول است». نهایتاً در طرح مسئولیت بین‌المللی دولتها، کمیسیون تحت تاثیر کامل دیوان لاهه، بعد از ذکر مواردی که آنها را قاعده آمره معرفی می‌نماید و پس از اینکه خود تفکیکی بین قواعد آمره Jus Cogence و قواعد “ Erga Omnes“ قائل می‌شود، برای حق تعیین سرنوشت خصلتی را ذکر می‌کند که برای قواعد “Erga Omnes“ معرفی کرده بود.

موضوعی که در قطعنامه‌های ۲۰۱۴، ۲۰۵۱، ۲۲۰۴ که در خصوص یمن از شورای امنیت اصدار شده، مورد اشاره قرار گرفته است که حتی از عبارت عدالت انتقالی<sup>۱</sup>، در قالب دموکراتیزاسیون هدفمند در یمن (به شیوه عربی - غربی) نیز مورد تصور بود. در این فرایند دموکراتیزاسیون باید مرحله‌گذار به دموکراسی را به ۳ مرحله تقسیم کرد (آقایی، ۱۳۸۸: ص ۸):

۱. منازعه بلند مدت بین نیروهای سیاسی مخالفی که از قدرت برابری برخوردارند
۲. مذاکره برای دستیابی به یک قرارداد سازش توسط رهبران نیروهای سیاسی که به نهادینه کردن رویه‌های دموکراتیک می‌انجامد
۳. عادت کردن به رویه‌های دموکراتیک که به تدریج باعث افزایش میزان و گستردگی اجماع می‌گردد.

اجرای این روند، مطابق نظرهاگتینگتون شرایطی را برای تحکیم دموکراسی و عبور از مرحله دوم مذکور به سمت مرحله سوم دارد، که به شرح زیر می‌باشد (همان):

۱. تجارب حاصل از تحکیم دموکراسی‌های قبلی
۲. توسعه اقتصادی و انسانی
۳. جو بین‌المللی و عوامل خارجی
۴. عوامل ذاتی و بومی کشور
۵. گذار صلح آمیز بر اثر توافق
۶. واکنش نخبگان سیاسی و جامعه در رویارویی با مشکلات تحکیم دموکراتیک.

تمام این توجهات و اجرای آن در کشورهای در حال توسعه موجب شده تا شورای امنیت با توجه به مسئولیت خود و از طرفی نیاز جامعه جهانی (خصوصاً کشورهای در حال توسعه) فرآیند گذار سیاسی را به همراه دموکراتیزاسیون به شیوه خطرناکی که در مقاطع مختلفی منجر به نقض حقوق بشر و حقوق بشردوستانه به همراه حفظ منافع کشورهای دایم آن می‌شود (ساعد وکیل، ۱۳۹۱: ۹۰ - ۹۱) را با کمک سازمان‌های منطقه‌ای مطابق

1. transitional justice.

فصل ۸ منشور سازمان ملل (اسماعیل نسب، ۱۳۹۳: ۲۸)<sup>۱</sup> انجام دهد و بر اقدامات آنها بر اساس نظریه مسئولیت و دعوت به مداخله، صحه و مشروعیت ببخشد در صورتی که فرآیند عدالت انتقالی، امری موقتی است که سعی در به سرانجام رساندن یک بحران دارد و یک فرآیند را براساس مکانیزم و ابزارهای مشخص طی می‌کند و لزوماً زیر مجموعه حقوق پس از جنگ نیست و مستقل می‌باشد و حتی در تلاش است تا ناقض بند ۴ ماده ۲ منشور در خصوص ممنوعیت بکارگیری زور و تهدید نباشد و شیوه‌های دموکراسی را در اجرایی نمودن مسئولیت خود بکار گیرد (joel, 2007: 1 - 3).

## ۲.۱ - اقدامات شورا قبل از قطعنامه ۲۲۱۶

اوج‌گیری تحولات یمن و نیاز کشورهای شورای همکاری خلیج فارس و اتحادیه عرب (ائتلاف جنگ فعلی) به حفظ دولت یمن و کنترل شرایط گذار سیاسی در این کشور، موجب شد تا شورای امنیت از سال ۲۰۱۱ با تصویب قطعنامه ۲۰۱۴ حقوق بشر و بشردوستانه در یمن با تاکید بر نقش آفرینی و ابتکار عمل شورای همکاری خلیج فارس، حق تعیین سرنوشت و کنترل شرایط عدالت انتقالی را مدنظر داشته باشد.<sup>۲</sup> موضوعی که در بند ۳ قسمت اجرایی قطعنامه ۲۰۱۴ نیز بمنظور رسیدن به راه حل سیاسی مورد اشاره قرار گرفت. در قطعنامه ۲۰۵۱ مورخ ۱۲ ژوئن ۲۰۱۲ نیز شورای امنیت رویه مشابهی را تکرار نمود و هرگونه حمله تروریستی علیه افراد و شهروندان و زیرساختارهای برق، نفت، گاز و ... را ممنوع اعلام کرد تا فرآیند انتقال قدرت بصورت مشروع محقق شود (پاراگراف ۷ بخش مقدمه). در این قطعنامه صریحاً بر عدالت انتقالی در بند ۱۰ قسمت اجرایی اشاره می‌شود. اما نکته حائز اهمیت، چگونگی اجرای عدالت انتقالی به منظور رعایت حقوق بشر و متوقف

۱. در ماده ۵۳ منشور قید شده: «شورای امنیت در موارد مقتضی از چنین قراردادها و موسسات منطقه‌ای برای عملیات اجرایی تحت اختیار خود استفاده خواهد کرد، ولی هیچگونه عملیات اجرایی به موجب قراردادهای منطقه‌ای یا توسط موسسات منطقه‌ای بدون اجازه شورای امنیت صورت نخواهد گرفت ...».
۲. برای مثال در پاراگراف هشتم (بخش مقدمه) از قطعنامه ۲۰۱۴ صریحاً هرگونه استفاده از زور به منظور انجام مذاکرات سیاسی و قطع فوری نزاع و توقف جنگ را مورد خطاب قرار می‌دهد.



نمودن جنگ است که نتوانسته است تا کنون موفق عمل کند زیرا عدالت انتقالی بیشتر از آن که تنها یک موضوع حقوقی باشد پروسه‌ای است سیاسی، اجتماعی و حقوقی و نباید چنین تصور نمود که عدالت انتقالی یک پروسه صرفاً حقوقی است. سیاست مداران بهتر می‌توانند این پروسه را به مرحله اجرا در آورند. آنچه که از تجارب کشورهای دیگر حاصل می‌شود، این پروسه بیشتر تفیید اختیار از سازمان ملل به نهادهای منطقه‌ای جهت نقش آفرینی و تسریع در انجام امور و اهداف ملل متحد است (شفیعی، ۱۳۹۱: ۸۱-۸۳). در پروسه عدالت انتقالی تعامل و سازش یک امر حتمی است در حالیکه از دید حقوقی رعایت سازش کمتر مورد نظر است. در این جا برای آشتی ملی توجیهات اخلاقی وجود دارد و می‌تواند در جلوگیری از وقوع خشونت و همچنان تأمین دموکراسی یک عامل مهم پایدار باشد. وظیفه عدالت انتقالی، توسعه بخشیدن یک جریان است که بوسیله آن جامعه یکپارچه شده و به سوی یک آینده مشترک در حرکت می‌افتد و با چالش‌هایی در عمل روبروست (Jane, 2016):

- ۱- عدم موجودیت قوانین کافی و طرز‌العمل قانونی رسیدگی به جرایم ضد بشری
- ۲- عدم امنیت سر تا سری و موجودیت اشوب‌ها در بعضی مناطق
- ۳- نفوذ ناقضین حقوق بشر در دستگاه‌های مهم دولتی و میان مردم
- ۴- ضعف دستگاه عدلی و قضایی و موجودیت فساد در آن
- ۵- ضعف جامعه مدنی و سنتی بودن جامعه یمن.

در این میان در قطعنامه ۲۲۰۴ مورخ ۲۴ فوریه ۲۰۱۵ نیز (بند ۸ و ۱۲) به موضوع عدالت انتقالی و برگزاری انتخابات و ایجاد شرایط مفید برای گذار سیاسی اشاره شد اما باز هم فرآیند اجرایی آن به ابتکار شورای همکاری خلیج فارس واگذار شد. موضوعی که شائبه دموکراتیزاسیون به شیوه عربی- غربی را بیش از فراهم نمودن فرایند گذار سیاسی یا عدالت انتقالی در ذهن تداعی می‌کند زیرا عدالت انتقالی در عمل دارای اهداف و کارکردهای زیر می‌باشد که عدم تحقق آن، موجبات نارضایتی داخلی و در نهایت مستمسک قراردادن نظریه مسئولیت حمایت جهت مداخله در امور داخلی کشورها را فراهم می‌آورد (ذاکریان، ۱۳۹۲: ۲۲۵ - ۲۲۶):

۱. از بین بردن فرهنگ معافیت از مجازات و پاسخگویی

۲. احیای شان و منزلت اجتماعی از دست رفته قربانیان
۳. بهبود وضعیت مجروحان جامعه
۴. تلاش به منظور حفاظت از حقوق بشر در دراز مدت و عدم نقض شدن مجدد آن
۵. اصلاح زیرساخت‌ها برای دموکراسی‌سازی و حقوق بشر به منظور حکومت قانون و ایجاد نظم دمکراتیک.

## ۲. قطعنامه ۲۲۱۶ و جنبه‌های حمایتی

### ۱.۲ - قطعنامه ۲۲۱۶ و مشروعیت بخشی به نظریه مسئولیت حمایت

بمنظور درک نظریه مسئولیت حمایت و تجویز نمودن مداخله بشردوستانه در مرحله اجرایی آن، بعنوان تنها رویکرد عملی باقی مانده و بمنظور رعایت حقوق در جنگ، در ابتدا دکترین دعوت دولت حاکم به حضور نظامی را که از سوی منصوره‌ادی بتاریخ ۲۴ مارچ ۲۰۱۴ انجام شده بود را بررسی و سپس، اقدام شورای امنیت در قطعنامه ۲۲۱۶ در مشروعیت بخشی به این اقدام و خلق قاعده‌ای متفاوت از نظریه مورد استناد روسیه در بحران اوکراین را مورد توجه قرار می‌دهیم.

#### ۱.۱.۲ - دکترین دعوت دولت حاکم به حضور نظامی

نکته مهم در مورد نگاه عربستان و کشورهای ائتلاف در حمله به یمن حائز اهمیت است، زیرا نوع نگاه متفاوت از روسیه به توجیه حقوقی‌اش جهت حضور نظامی در کریمه و درخواست دولت قانونی اوکراین برای مساعدت نظامی است؛ امری که از منظر حقوق بین‌الملل نیز موجبات قانونی بودن و قانونی شدن حضور نظامی را در یک کشور خارجی فراهم می‌کند (حلمی، ۱۳۹۰: ۱۷۷). حقوق بین‌الملل منع توسل به زور، در برابر رضایت دولت میزبان به حضور نظامی یک دولت دیگر، رویکرد پذیرش و تمکین را در پیش گرفته و اساساً این گونه اقدامات و عملیات‌های مرتبط با آن را خارج از مفهوم «مداخله نظامی» می‌شمارد (میرمحمدی، ۱۳۹۱: ۲۶۸).

وجاهت این استدلال به گونه‌ای است که نمایندگان دولت‌های غربی در نشست شورای

امنیت نتوانستند تحلیلی دیگر را در مقابل آن ارائه کنند. زیرا نه تنها حقوق موجود چنین روندی را مشروع می‌داند، بلکه رویه غربی‌ها نیز تا کنون بر مشروعیت این اقدامات استوار بوده است. غرب براساس رویکرد گسترش حضور نظامی در سایر سرزمین‌ها، مبتکر این قاعده در حقوق بین‌الملل بوده است تا بتواند با کسب رضایت دولت میزبان، حتی دولت‌هایی که دست‌نشانده و وابسته به غرب بوده‌اند، ظرفیت‌های نظامی خود را در این کشورها فعال کند.

در کل، نگاه حقوق بین‌الملل به مداخله مبتنی بر درخواست یا رضایت دولت میزبان این است که تمامیت ارضی و صلح در فضای سرزمینی، امری تابع رضایت دولت‌های ذیربط است و از این رو، اصل بر توافق و حاکمیت اراده آنهاست (ضیایی بیگدلی، ۱۳۸۶: ۴۸۴). مادامی که رضایت حاصل شده باشد، نمی‌توان از منع توسل به زور برای منع یا محدود کردن عملیات‌های نظامی مذکور یاد نمود. اما مؤلفه مهم در این زمینه، توصیف حقوقی دولت برکنار شده در کودتای رنگین اوکراین و استعفا دادن رئیس جمهور منصورهادی از سمت خود و برگشت به قدرت در این کشور است. در این زمینه، اختلاف نظر وجود داشته و هر یک از طرف‌های مناقشه، دیگری را حکومت غیرقانونی می‌شمارند. بر اساس اصول کلی نظام حقوقی بین‌المللی، استفاده از خشونت و کودتای نرم یا سخت علیه دولتی که بر آرای مردم متکی است و سرنگون کردن آن، نامشروع بوده و مشروعیت یافتن دولت جدید نیازمند اصول و تشریفات معین به ویژه کسب مقبولیت اکثریت مردم خواهد داشت، موردی که در مصر جدید نیز می‌توان به صورت ملموس مشاهده و تحلیل کرد (کراسامر، ۱۳۹۳). استفاده روسیه از همه‌پرسی در کریمه برای پیوستن به این کشور نیز مبنای حقوقی از همین دست دارد، هر چند با مخالفت دبیرکل ملل متحد مواجه شده است. در این رابطه و در شرایطی که نظر قاطع وجود نداشته و دولت جدید نیز مقبولیت اکثریت را کسب نکرده (مانند مورد یمن) بلکه بخشی از جمعیت اوکراین، روسی و مخالف حکومت پس از کودتا هستند، هیچ دلیلی حتی از نظر حقوقی وجود ندارد که روسیه نتواند دولت قانونی را دولت قبل از کودتا دانسته و رضایت لازم برای کسب مشروعیت حضور نظامی در کریمه را بر پایه رضایت رئیس جمهور وقت توجیه کند. حال سوال این است که آیا توسل به زور و حضور نیروهای

نظامی روسیه در کریمه و شرق اوکراین و احیاناً نیروهای ناتو در اوکراین و یا نیروهای ائتلاف عربی در یمن بنا بر نظریه دعوت مجاز است؟

برخی معتقدند، قطعاً توسل به زور ائتلاف عربی و تجاوز آنها خلاف حقوق بین‌الملل است، اگرچه خود کشورهای مداخله‌گر استفاده از زور بر ضد یمن را انکار می‌کنند و عملیات نظامی و شبه نظامیان را در قالب دفاع مشروع ملی (در خطر بودن صلح و ثبات منطقه‌ای و جهانی) توجیه می‌کنند اما نکته بسیار مهمی این است که «تهدید توسل به زور» در حقوق بین‌الملل تحریم شده و اتفاقاً در این قضیه تهدید حوثی‌ها و مردم یمن توسط عربستان و کشورهای ائتلاف قابل انکار نیست. شورای همکاری خلیج فارس رسماً و عملاً تهدید به استفاده از زور کرده است، این در حالی است که در بند ۴ ماده ۲ منشور، تهدید نیز در کنار توسل به زور مشمول همان میزان ممنوعیت است که برای استفاده از زور ممنوع شده است. بمانند اقدامات ائتلاف عربی در حمله به یمن، دومای روسیه نیز در جریان تحولات اوکراین، چندین مصوبه درباره احتمال استفاده از زور بر ضد اوکراین تصویب کرده و مقامات روسیه بارها به صراحت این تهدید را بر زبان جاری کرده‌اند، و همه اینها نقض صریح بند ۴ ماده ۲ منشور ملل متحد بوده و موجد مسئولیت بین‌المللی است (قربان نیا، ۱۳۹۲: ۵۵).

## ۲.۱.۲- دکترین مسئولیت حمایت

بدلیل گسترده بودن حوزه نظریه مسئولیت حمایت یا تعهد به حمایت، در زیر صرفاً به بیان نظرات برخی از صاحب نظران نسبت به این دکترین استنادی از سوی ائتلاف عربی در بحران یمن می‌پردازیم. آیا بحران یمن را می‌توان از منظر تئوری مسئولیت حمایت مورد بررسی و تحلیل قرار داد؟

در مسئولیت حمایت، مسئولیت اولیه حمایت از شهروندان بر عهده خود دولت است و در صورت قصور دولت این مسئولیت بر عهده جامعه است. اما عنصر دوم در زمانی که بحران وجود دارد و طرح مسئولیت حمایت مجال پیدا می‌کند، باز هم دولت به عنوان متعهد اصلی موظف است منابع و امکاناتی که در اختیار دارد، را در راستای صلح و آرامش در قلمرو سرزمینی مورد استفاده قرار دهد. بنابراین به نظر می‌رسد در خصوص انطباق این دو مفهوم

می‌توانیم قایل به نوعی تشابه در رویکرد دولت و رویکرد حقوق بین‌الملل نسبت به مسئولیت حمایت شویم. اما در کنار این دو عنصر باید فاکتور مشروعیت را نیز در نظر گرفت؛ مشروعیتی که دولت می‌تواند از سازمانهای مردم‌نهاد در قلمرو خودش بگیرد، می‌تواند مترادف با مشروعیتی باشد که در مسئولیت حمایت از جامعه بین‌المللی می‌گیرد. برای تحقق مسئولیت حمایت سه مرحله پلکانی طی می‌شود: مسئولیت پیشگیری، مسئولیت اقدام و در نهایت مسئولیت بازسازی (همان: ۵۲). در خصوص اجرای مسئولیت حمایت همانطور که در گزارش ۲۰۰۹ بان کی مون در زمینه اجرای مسئولیت می‌بینیم اول باید اعلام خطر شده باشد، وضعیت به آستانه خاص رسیده باشد، تدبیر و استراتژی خاصی برای وضعیت در نظر گرفته شده باشد، و قصدی جدی مبنی بر حمایت و فرونشاندن وضعیت موجود، وجود داشته باشد. در این خصوص با توجه به مسایلی که مطرح شد و مواضع دوگانه کشورهای شورای همکاری خلیج فارس مبنی بر حمایت یا دنبال کردن منافع ملی خود، به نظر می‌رسد اقدام کشورهای ائتلاف عربی در راستای حمایت از مردم یمن یا مسئولیت حمایت نمی‌باشد. علاوه بر این روند مسئولیت حمایت در همان ابتدا مبتنی بر مداخله نظامی نیست، بلکه در بدو امر مبتنی بر قطع روابط دیپلماتیک، در مرحله بعد قطع روابط اقتصادی، کاهش یا حتی قطع روابط سیاسی و در آخرین مرحله و تنها در شرایط خاص می‌تواند جنبه نظامی پیدا کند. بنابراین نمی‌توان مداخله نظامی کشورهای ائتلاف را در قالب مسئولیت حمایت قابل توجیه بدانیم خصوصاً آنکه نتایجی محسوس از به شکست انجامیدن گذار سیاسی در نتیجه عدالت انتقالی یا تلاشی جدی از سوی شورای همکاری خلیج فارس بعنوان مبتکر ایجاد و انجام دهنده این گذار مشاهده نشده است.

برخی دیگر نیز بر حقوق نرم قلمداد کردن قاعده مسئولیت حمایت تاکید دارند و معتقدند که با سه قطعنامه مصوب شده شورای امنیت نمی‌توان این تئوری را در قالب حقوق سخت قرار داد و معتقدند که نظریه مسئولیت حمایت، مرحله تکاملی و پیشرفته مداخله بشردوستانه، و به تعبیری دقیق‌تر در مرحله دوم مسئولیت حمایت یعنی واکنش، مداخله بشردوستانه قرار دارد (ضیایی بیگدلی و همکاران، ۱۳۹۳). لذا با توجه به صدر پاراگراف دوم قطعنامه ۲۲۱۶ شورای امنیت که به موضوع دعوت از کشورهای شورای همکاری خلیج و اتحادیه عرب

توجه دارد، باید اذعان داشت این قید در قطعنامه، اقدامات گروه ائتلاف را مشروعیت بر اساس نظریه دعوت و لزوم انجام مداخله بر اساس نظریه مسئولیت حمایت شناسایی موخر می‌نماید و به اقدامات آنها و جاهت حقوقی نمی‌بخشد و به نوعی تاکید کننده این امر است که در بحران اوکراین نیز صرف دعوت مشروعیت بخش مداخله روسیه در این کشور نبوده است و تائید و مشروعیت بخشی شورای امنیت نیز مورد نیاز است.

## ۲.۲ - قطعنامه ۲۲۱۶ در پرتو اسناد حقوق مخاصمات مسلحانه

با فرض بر مشروعیت اقدامات ائتلاف عربی در حمله به یمن، سوال دیگری مطرح است و اینکه جایگاه شورای همکاری خلیج فارس در اجرای حقوق بشردوستانه یمن با توجه به مفاد قطعنامه‌های صادره و خصوصاً قطعنامه ۲۲۱۶ که صریحاً در پاراگراف‌های مقدمه آن بمانند، پاراگراف ۷ (انتقال سیاسی قدرت) پاراگراف ۹ (اشاره به وضعیت بحران حقوق بشردوستانه در یمن و احتمال ادامه این بحران در صورت حل نشدن سیاسی موضوع) پاراگراف ۱۴ (تاکید بر رعایت حقوق مخاصمات و آزادی‌های فردی اشخاص تحت نظر گرفته شده)

بدان اشاره شده چیست؟ نقش صلح‌سازی، نظارت و یا اجرای قطعنامه ۲۲۱۶؟

روشن شدن این موضوع نیازمند بررسی اهداف غیرمشروع سیاسی گروه ائتلاف در دموکراتیزاسیون نمودن کشور یمن به شکل عربی - غربی است که بدان اشاره شد اما در قطعنامه ۲۲۱۶ بر اجرایی شدن حقوق بشردوستانه تاکید فراوانی شده تا آنجا که در بند ۱ اجرایی قطعنامه از طرفین درگیر می‌خواهد تا به تمام اشکال درگیری نظامی خاتمه داده و انجام انتقال سیاسی در یمن را تضمین نمایند و مناطق مهم متصرف شده را رها کنند. در این بند همچنین به عدم سربازگیری در دسته‌های نظامی از میان کودکان، و یا سوء استفاده از سلاح‌های سبک که موجب برهم خوردن صلح و امنیت در یمن می‌شوند، اشاره شده است. از سوی دیگر با توجه به وخیم بودن وضعیت توزیع قضا و آذوقه در یمن، در بند ۹ و ۱۲ اجرایی قطعنامه حتی به موضوع تسهیل در پخش غذا و کمک‌های بشردوستانه و عدم بازرسی‌های غیرضرور در رسیدن محموله‌ها، متذکر گشته است.

با توجه به تاکیدات قطعنامه ۲۲۱۶ نسبت به مقوله حقوق بشردوستانه و ابعاد بین‌المللی

بودن جنگ در این کشور، اسناد مختلفی بمانند پروتکل الحاقی ۲۵ می ۲۰۰۰ به کنوانسیون حقوق کودک در خصوص حمایت از کودکان در مخاصمات مسلحانه وجود دارد. در این سند، صراحتاً تمامی دولتها به حمایت از حقوق کودکان متاثر از حمله مسلحانه و عدم سربازگیری میان کودکان زیر ۱۵ سال بصورت مطلق اشاره شده است.<sup>۱</sup> این مهم در بند ۳ و ۴ ماده ۷۷ پروتکل اول الحاقی به معاهدات چهارگانه ژنو مصوب ۱۹۷۷ نیز دیده می‌شود. موضوعی که در ماده ۳۸ کنوانسیون ۱۹۸۹ حقوق کودک نیز بصورت مبسوط دیده می‌شود. سند حقوق بشری دیگر در این زمینه، سند حقوق بشر در مخاصمات مسلحانه تهران ۱۹۶۸ است.<sup>۲</sup> این سند نیز ضمن تاکید بر مفاهیم حقوق بشر در زمان جنگ (همچون ملل متمدن، حمایت از رزمندگان و غیررزمندگان براساس معاهدات ژنو و رعایت حقوق بشردوستانه در تمامی شرایط جنگی) تاکید شده است. همچنین در سند ۱۹۷۹ با عنوان سیستم سلاح‌های کالیبر کوچک، که در ۲۸ سپتامبر ۱۹۷۹ در ژنو<sup>۳</sup> به تصویب کشورها رسیده است و امروزه جز حقوق عرفی بر جنگ محسوب می‌شود نیز، به مقوله زخمی و مجروح شدن افراد و اشخاص در اثر استفاده از این گونه سلاح‌ها و ممنوعیت آن اشاره شده است. موضوعی که در پاراگراف ۱۹ بخش مقدمه قطعنامه ۲۲۱۶ در خصوص تعهدات طرفین درگیر بدان تاکید شده است.

جدای از این اسناد، در معاهدات ژنو نیز بعنوان مهمترین سند آمره حقوق بشردوستانه به تفصیل جزییات حمایت از افراد و اماکن و شیوه‌های نبرد و حمایت مورد اشاره قرار گرفته است. بدین منظور در ماده ۳ مشترک ژنو که به جنگ یمن و اجرای حقوق بشردوستانه مربوط می‌شود، در بند ۳ (به حقوق غیرقابل اغماض مانند حمایت از بیماران و غیرنظامیان) و در بند ۵ (حقوق بشردوستانه مورد نیاز برای حمایت و اجرا از جمله قتل عمد و شکنجه؛ رفتارهای غیرانسانی؛ دستگیری غیرقانونی؛ تاخیر غیرموجه در بازگرداندن اسرا) (پاراگراف ۱۴ بخش مقدمه قطعنامه ۲۲۱۶)؛ حمله به اماکن مقدس و تاریخی و هنری) اشاره شده است.

1. Optional protocol to the convention on the rights of the child on the involvement of children in armed conflict, 25 may 2000.
2. human right in armed conflicts. Resolution xxiii adopted by the international conference on human rights. Tehran 12 may 1968.
3. resolution on small – caliber weapon system. Geneva 28 September 1979.

همچنین در مواد ۵۱ (حمایت از سکنه غیرنظامی) ماده ۵۲ (حمایت از اموال غیرنظامی) ماده ۵۴ (حمایت از اماکنی که برای بقای سکنه غیرنظامی ضروری است) ماده ۵۶ (حمایت از کارگاه‌های و تاسیسات دارای نیروهای خطرناک) پروتکل الحاقی اول ۱۹۷۷ به معاهدات ژنو و ماده ۴ (بند ۳: عدم بکارگیری کودکان زیر ۱۵ سال در جنگ و گروه مسلح) ماده ۷ (مورد حمایت پزشکی قرار گرفتن بیماران و مجروحان) ماده ۱۳ (حمایت از جمعیت غیرنظامی) ماده ۱۴ (عدم جابجایی مواد غذایی و دارویی و امکانات برای جمعیت غیرنظامی - بند ۹ و ۱۲ قطعنامه ۲۲۱۶) ماده ۱۵ (حمایت از تاسیسات و کارخانه‌های دارای انرژی خطرناک مانند تسلیحات نظامی و موشکی - بند ۱۳ و ۱۴ قطعنامه ۲۲۱۶ در تحریم تسلیحاتی) ماده ۵۱ (حمایت از سکنه غیرنظامی و اشاره به اصل تفکیک) و ماده ۵۲ (حمایت از اموال غیرنظامی) ماده ۵۳ (حمایت از اموال فرهنگی و مکان‌های عبادتی) ماده ۵۴ (حمایت از اموالی که برای بقاء سکنه غیرنظامی ضروری است) از پروتکل دوم الحاقی ۱۹۷۷، به موضوع رعایت حقوق بشردوستانه در جنگ اشاره دارند.

در معاهده چهارم ۱۹۴۹ ژنو نیز در ماده ۳ (بند الف: لطمه به حیات و تمامیت بدنی منجمله قتل به تمام اشکال آن) ماده ۳۴ (اخذ گروگان ممنوع) ماده ۴۲ (منع اقامت و بازداشت اجباری افراد) ماده ۵۵ (توزیع عادلانه خوار و بار و لوازم طبی) به مقوله بشردوستانه و لزوم رعایت آن توجه دارد. امری که از روح قطعنامه‌های اصداری شورای امنیت در خصوص یمن و علی‌الخصوص قطعنامه ۲۲۱۶ قابل برداشت است (فلک، ۱۳۹۲: ۲۱۱).

سند حقوق بشردوستانه‌ای دیگری که در این خصوص مورد اعتناست، سند ممنوعیت و محدودیت استفاده از سلاح‌هایی است که ممکن است موجب صدمات بیش از حد یا اثر تبعیض آمیز باشد. این سند در ۱۰ اکتبر ۱۹۸۰ مصوب و از سال ۱۹۸۱ الزام آور و در سال ۲۰۰۱ نیز اصلاحیه‌ای بدان اضافه شده است. در این سند هرگونه استفاده از سلاح‌های

۱. از طرفی در بند ۳ ماده ۴۹ پروتکل دوم الحاقی، فضای مقررات پروتکل در مورد حمایت از جمعیت غیرنظامی را قانونمند می‌سازد که حملات دریایی یا هوایی علیه اهداف مستقر در خاک و همین‌طور هر جنگ دریایی یا هوایی را در بر می‌گیرد که می‌تواند بر جمعیت یا اهداف غیرنظامی بر روی زمین تاثیر بگذارد که این عملیات توسط قواعد کلی حقوقی عرفی حمایت می‌شوند.



غیرمتعارف (سلاح‌ها و بمب‌های غیرضرور و دارای آثار چندگانه و حمایت از غیرنظامیان در اثر حملات نظامیان) در جنگ ممنوع اعلام شده است.<sup>۱</sup>

سند مهم دیگر که در قطعنامه ۲۲۱۶ در راستای حمایت از حقوق بشردوستانه و وخیم‌تر نشدن اوضاع بحران یمن بدان بصورت ضمنی اشاره شده، معاهده ۲ آوریل ۲۰۱۳ در خصوص تجارت اسلحه است.<sup>۲</sup> در این سند تلاش شده است که کشورها به یکپارچگی و وحدت و مشارکت یکدست در حفظ صلح و امنیت بین‌المللی با اولویت قرارداد صلح و امنیت بین‌المللی در تجارت اسلحه برسند (ماده ۱). در ماده ۲ این معاهده صراحتاً اقسام مهمات و اسلحه‌هایی که می‌تواند مورد نظر معاهده باشد را نام می‌برد (شامل انواع تانک جنگی - ماشین‌های رزم زرهی - سیستم‌های کالیبر تپخانه‌ای بزرگ - هواپیمای جنگی - هلی کوپترهای جنگی - کشتی جنگی - موشک و پرتاب کننده موشک - سلاح‌های کوچک و سبک). در ماده ۴ این معاهده تمامی کشورها ملزم به نظارت بر صادرات و واردات و حفظ کنترل بر تجارت اسلحه خود شده‌اند. موضوعی که در قطعنامه ۲۲۱۶ نیز در تحریم حوثی‌ها صراحتاً در بندهای ۱۴ (تحریم کامل تسلیحاتی علی عبدالله صالح، عبدالله یحیی الحکیم، ابوال حوثی و تمام افراد و موجودیت‌های معارض در یمن) و ۱۵ (اشاره به نظارت و بازرسی تمام محموله‌های دریایی توسط کشورها خصوصاً دول همسایه دارد) اجرایی قطعنامه بدان اشاره شده است. در ماده ۶ (بند ۱) این سند، صراحتاً اشاره می‌کند که هیچ کشوری حق ارسال سلاح به کشور دیگری را که مطابق فصل ۷ منشور سازمان ملل مورد نظر است و انتقال می‌تواند نقض تعهدات و اقدامات پذیرفته شده شورای امنیت باشد را انجام دهد. همچنین بر اساس بند ۳ ماده ۶، کشورها از انتقال سلاح که ممکن است ژنوسید یا جرایم علیه بشریت یا استفاده علیه غیرنظامیان را به همراه داشته باشد، اقدامی را انجام دهند.

این نکته را نیز نباید از نظر دور داشت که جنبش‌های آزادی بخش فراوانی در دهه‌های اخیر برای کسب استقلال و یا فشار بر دولت‌های داخلی ایجاد شده‌اند که می‌توانند مورد شناسایی قرار بگیرند و از حقوق و مزایای شناسایی استفاده نکنند که این شناسایی آنها را

1. convention on prohibitions or restrictions on the use of certain conventional weapons which may be deemed to be excessively injurious or to have indiscriminate effects. Geneva, 10 October 1980. ART 1 & 7 .

2 . The arms trade treaty, 2 april 2013.

در نیل به اهداف خود یاری می‌کند و کمک به این جنبش‌های آزادی‌بخش، دخالت در امور داخلی کشورهای استعمارگر محسوب نمی‌شود (بیگ زاده، ۱۳۸۵: ۱۶۱ - ۱۶۲) اما مطابق با قطعنامه ۲۲۱۶ حوثی‌ها دارای تعارضاتی به شرح زیر می‌باشند که آنها را از شناسایی و امکان استفاده از خرید سلاح و ... منع می‌کند:

۱. نبرد آنها از دید حقوق بین‌الملل مشروع بوده و منافاتی با مبارزات مشروع نداشته باشد
  ۲. سرکوبی آنها تهدیدی علیه صلح و امنیت بین‌المللی محسوب می‌گردد
  ۳. در صورت مسلحانه و بین‌المللی بودن نبرد، مبارزان می‌توانند از حقوق پیش‌بینی شده در کنوانسیون‌های ژنو و حقوق غیرنظامیان برخوردار شوند.
- لذا همانگونه که این گروه‌ها برای برخورداری از حقوق دارای شرایطی هستند، هرگونه سرکوبی و تجاوز از طرف هر کشوری نسبت به آنها نیز، موجب مسئولیت بین‌المللی آن کشورها را موجب می‌شود.

### ۳. طرح هفت بندی فرستاده ویژه سازمان ملل و ضوابط حقوقی اجرای حقوق بشردوستانه

#### ۳.۱- طرح هفت بندی فرستاده سازمان ملل در اجرای حقوق بشردوستانه

پس از شش ماه از تصویب قطعنامه‌ی ۲۲۱۶ شورای امنیت، طرح سعودی‌ها و ائتلاف عربی، چنان رنگ باخت که حتی دبیر کل سازمان ملل راه حل بحران یمن را خارج از قطعنامه ۲۲۱۶ دنبال می‌کند (Ban Ki-moon's speeches, 2016). بان کی مون با اشاره به طرح جدیدی به نام مسقط، از پذیرش آن توسط انصارالله سخن گفت.<sup>۱</sup> این طرح به گونه‌ای

۱. طرح مسقط با رایزنی‌های فرستاده ویژه سازمان ملل در حالی مورد مذاکره بود که طرح ابتکاری ۱۱ بندی مصر برای توقف جنگ در یمن نیز در خلال جنگ، به شرح زیر در حال انجام بود. قاهره یک طرح ۱۱ بندی برای توقف جنگ در یمن تدوین کرده بود تا به موجب آن یک آتش‌بس دائمی در این کشور برقرار شود و زمینه برای بازگشت به میز گفت‌وگوها فراهم شود. در این طرح شامل ۱۱ بند است که در اجرای آن، مصر، عمان، الجزایر و اتحادیه عربی نیز شرکت داشتند، درصدد بودند تا در یمن، آتش‌بس برقرار شود. این ۱۱ بند عبارتند از:  
 آتش‌بس میان طرفین درگیری در یمن یعنی ارتش و نیروهای انصارالله از یک سو و نیروهای طرفدار «عبدربه منصورهادی» رئیس‌جمهور مستعفی و فراری یمن که خود را مقاومت مردمی می‌نامند.  
 ۲- عقب‌نشینی انصارالله و ارتش از «عدن»، «تعز»، «الحج» و تمامی استانهایی که شاهد درگیری هستند و نیز عقب‌نشینی تمام افراد مسلح موسوم به مقاومت مردمی به خارج از شهرها.

می‌توانست پایان‌بخش جنگ باشد اما اهداف عربستان را چنان نادیده می‌گرفت و به موضوع حقوق بشردوستانه با خاتمه یافتن جنگ و دور شدن از قطعنامه ۲۲۱۶ اشاره می‌کرد که گروه ائتلاف با اینکه به دنبال حل چالش خود در یمن است، پیشنهاد طرح مسقط و سازمان ملل را نپذیرفت. طرح مسقط با اینکه ابتدا قطعنامه ۲۲۱۶ را می‌پذیرد اما در ادامه هفت‌بندی را یادآور می‌شود که به نوعی نقض قطعنامه ۲۲۱۶ است. این هفت‌بند به خوبی نشان می‌دهد که علی‌رغم طی چند ماه بمباران زیرساخت‌های یمن و حملات نیروهای دیگر کشورهای عربی یا استیجاری از کلمبیا، سودان و... ورق قدرت به سود انصارالله برگشته است. توافق مسقط نه تنها انصارالله را به رسمیت شناخته است، بلکه حضور او را در شمال یمن مشروعیت می‌بخشد و از انصارالله می‌خواهد که با واگذاری جنوب به جنبش و گروه‌های دیگر از جمله جنبش حراک که به طور کلی با آل سعود اختلافاتی دارد، مقدمه راه‌حل سیاسی را هموار کند.

این طرح هم‌چنین تأکید می‌کند که همه بازیگران دولت انتقالی در سایه، خالد بحاح را به عنوان نخست‌وزیر بپذیرند و سپس ظرف ۶۰ روز دولت ملی تشکیل شود. خالد بحاح

۳- آن دسته از نیروهای ارتش که در جنگ جاری در یمن دخالت نداشته‌اند باید جایگزین نیروهایی که از شهرهای یمنی عقب‌نشینی می‌کنند، شوند تا مسئولیت حفظ امنیت و ثبات در داخل شهرها و استانهای درگیر را برعهده گیرند.

۴- توقف تمامی اشکال جنگ و درگیری از سوی کشورهای عضو ائتلاف عربی به سرکردگی عربستان.

۵- برقراری آتش‌بس دائمی به منظور تداوم گفت‌وگوها و اجرای روند سیاسی در کشور.

۶- توافق بر سر یک مرحله انتقالی جدید دست‌کم به مدت یک سال تا طی آن همه طرف‌ها به میر گفت‌وگو بازگردند و اجرای تمام توافقات حاصله در گفت‌وگوهای ملی بر اساس سازوکارهایی که پیش از این بر سر آن توافق شده بود، آغاز شود.

۷- تشکیل شورای ریاستی متشکل از ۷ نفر (۳ نفر از استانهای جنوبی، ۲ نفر از استانهای مرکزی و ۲ نفر از استانهای شمالی و غربی). ریاست این شورا را نیز یک مقام جنوبی برعهده می‌گیرد و مسئولیت اداره کشور طی دوره انتقالی با این شورا خواهد بود.

۸- بازسازی هیئت ملی مسئول نظارت بر اجرای توافقات حاصله در گفت‌وگوهای ملی و تضمین مشارکت ملی تمامی گروه‌ها و نیروهای فعال در یمن.

۹- بازبینی در مفاد مورد اختلاف در قانون اساسی کشور و همه‌پرسی درباره قانون اساسی دولت فدرال طی مدت حداکثر ۶ ماه.

۱۰- مشارکت مصر، عمان و الجزائر در کنار اتحادیه عرب، در تسریع روند اجرای این توافق به عنوان ضامن و ناظر.

۱۱- بازسازی عملی و عادلانه ساختار ارتش و نیروهای امنیتی و فرماندهی آنها بر اساس معیارها و ارکان ملی یمن.

هرچند در ائتلاف با انصارالله نیست، اما گزینه‌ای بهتر برای شروع دوران گفتگوی یمنی - یمنی نسبت به عبدربه منصورهادی است. هم‌چنین با اشاره به رفع محاصره‌ی زمینی، هوایی و دریایی یمن، تلویحاً از عربستان درخواست عقب‌نشینی و پایان جنگ می‌کند. مفاد این طرح عبارتند از:

عقب‌نشینی تمامی گروه‌های مسلح و شبه‌نظامیان از شهرها و مکان‌هایی که در آن وارد شده‌اند و آتش‌بس همزمان با آن. برای تضمین آتش‌بس و عقب‌نشینی همزمان یک سازوکار برای نظارت بر این مسئله از سوی سازمان ملل اندیشیده شده است به این ترتیب که ناظران و کارشناسان با تجربه نظامی و نه ارتشی در یمن، بر این مسئله نظارت کنند.

۱. کمک‌های انسانی باید به دست تمام یمنی‌ها از «صعده» تا «عدن»، شمال تا جنوب، غرب تا شرق بدون هیچ مانعی برسد.

۲. به کشتی‌های تجاری مجوز ورود به بنادر یمنی اعطا شود. جمعیت یمن به ۲۵ میلیون نفر می‌رسد که نمی‌تواند صرفاً به کمک‌های بشردوستانه اتکا کند و باید به آنها اجازه داده شود از کشتی‌های تجاری استقبال کنند و ورود و خروج این کشتی‌ها به بنادر یمن، آزاد شود. هرچند که اکنون برخی از کشتی‌ها این مسئله را از سرگرفته‌اند.

۳. احترام به قانون حقوق بشر که بر ضرورت عدم سربازگیری کودکان، حمایت از زندانان، حفظ سلامت شهروندان و آزادی زندانیان تاکید داد.

۴. بازگشت دولت برای از سرگیری وظایفش در کشور به ویژه ترمیم زیرساخت‌ها و تامین خدمات اساسی مانند آب و برق در مرحله نخست.

۵. تمامی طرف‌های یمنی این مسئله را به رسمیت بشناسند که تروریسم تهدیدی حقیقی برای کشور. لذا باید با همکاری جامعه بین‌الملل و توافق تمامی طرف‌های یمنی، طرحی برای مبارزه با تروریسم در همه اشکالش تدوین شود.

۶. پس از اعتمادسازی با آزادی زندانیان، آتش‌بس، عقب‌نشینی گروه‌های مسلح، میز گفت‌وگوها و سیاست به میان خواهد آمد. البته گفت‌وگویی که مبتنی بر طرح ابتکاری شورای همکاری و دستاوردهای گفت‌وگوهای ملی است. سپس ما درباره مسائلی مانند ایجاد اقلیم‌ها، اینکه مردم یمن انتخابات جدید می‌خواهند یا به دنبال تکمیل قانون اساسی هستند، صحبت

خواهیم کرد. گزارشات مکرر کمیته بین‌المللی صلیب سرخ (Yemen: Desperately, 2016) و دیده بان حقوق بشر (w.human right watch.org, 2016) در خصوص نقض حقوق بشردوستانه از سوی ائتلاف عربی در حمله به یمن، عامل اصلی در شکل‌گیری این فرایند سیاسی و خارج از قطعنامه ۲۲۱۶ شورای امنیت بود.

### ۲.۳ - الزامات حقوق بشردوستانه‌ای گروه ائتلاف در اجرای قطعنامه ۲۲۱۶

استفاده از گزینه نظامی علیه تحولات سیاسی در یمن از سوی سعودی‌ها و متحدان، آسیب‌رساندن به زیرساخت‌های یمن، تشدید نابسامانی‌های اقتصادی و تضعیف امکان شکل‌گیری یک دولت مرکزی مقتدر در یمن، بیش از پیش به گروه‌های تروریستی در یمن اجازه نشو و نما می‌دهد و بیشترین سود را در این میان شاخه یمنی القاعده برده است. نمونه اصلی ناکارآمدی استفاده از گزینه نظامی در گسترش افراط‌گرایی در منطقه پس از حملات ائتلاف به رهبری آمریکا به افغانستان و عراق قابل مشاهده است؛ به گونه‌ای که امروز گروه‌های تروریستی به لحاظ کمی و کیفی بسیار قدرتمندتر از دوران قبل از ۱۱ سپتامبر می‌باشد (عباس زادگان، ۱۳۸۹: ۱۵۱). لذا می‌توان یکی از پیامدهای حملات نظامی عربستان به یمن را تقویت جایگاه گروه‌های تروریستی و مستعد نمودن بیشتر زمینه برای گسترش افراط‌گرایی در یمن عنوان کرد در حالیکه روح قطعنامه در تلاش برای اعطاء ابتکار عمل به کشورهای شورای همکاری خلیج فارس در ایجاد شرایط عدالت و گذار سیاسی و انتقالی با اعمال محدودیت‌های مرتبط بوده است نه جنگ و حمله طولانی مدت؛ کما اینکه بخش‌های قابل توجهی از مناطق جنوبی یمن در مدت زمان اخیر به کنترل القاعده در آمده است (What can the kingdom do next?, 2015). لزوم توجه به الزامات بشردوستانه‌ای، کشورها را ملزم به رعایت برخی تعهدات نیز می‌کند. در ادامه با توجه به اسناد حقوق بشردوستانه و گزارشات اعلام شده از سوی نهادهای بین‌المللی، اجرای صحیح قطعنامه ۲۲۱۶ را از منظر حقوق بشردوستانه نقد می‌نمائیم.

### ۲.۳.۱ - اصل تفکیک و منع بکارگیری سلاح‌های ممنوعه

رویه دولتها نشان می‌دهد که قاعده تفکیک به منزله یک قاعده عرفی حقوق بین‌الملل در

هر دو زمینه درگیری‌های مسلحانه بین‌المللی و غیربین‌المللی قابل اعمال است (هنکرتز، ۱۳۹۱: ۶۲). این قاعده را باید در کنار قاعده منع حمله به اشخاصی که خارج از مخاصمه هستند و نیز به‌مراه این قاعده که افراد غیرنظامی از حمله مصون هستند مورد توجه قرار داد مگر در مواردی که این قبیل افراد نقش مستقیمی در درگیری‌ها به عهده گیرند. این اصل در مواد ۴۸، ۵۱ (۲)، ۵۲ (۲) از پروتکل الحاقی اول تدوین گردیده و در موردشان هیچ گونه قید تحفظی اعمال نشده است. البته ممنوعیت حمله علیه غیرنظامیان در پروتکل اصلاحی دوم و پروتکل سوم کنوانسیون برخی انواع سلاح‌های متعارف و در کنوانسیون اتاوا در مورد منع مین‌های زمینی ضد نفر گنجانیده شده است. علاوه بر این بر طبق اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی، حمله عمدی به جمعیت غیرنظامی یا افراد غیرنظامی که نقش مستقیمی در درگیری ندارند، در حوزه درگیری مسلحانه بین‌المللی، جزء جنایات جنگی می‌باشد (اسماعیل نسب، پیشین: ۸۴)<sup>۱</sup>، موضوعی که از سوی کشورهای عضو ائتلاف عربی در حمله به یمن بارها تکرار شده است. حتی این موضوع در خاورمیانه مسبوق به سابقه نیز می‌باشد، زمانیکه کمیته بین‌المللی صلیب سرخ در اکتبر ۱۹۷۳، یا به عبارتی قبل از تصویب پروتکل الحاقی اول، از طرف‌های متخاصم در درگیری خاورمیانه خواست که اصل تفکیک میان رزمندگان و افراد غیرنظامی احترام بگذارند، و دولتهای مربوطه (مصر، اسرائیل، عراق و سوریه) به این تقاضا پاسخ مثبت دادند. رویه قضایی دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه سلاح‌های هسته‌ای، رویه دیوان کیفری بین‌المللی برای یوگسلاوی<sup>۲</sup> سابق بخصوص در قضیه تادیج، مارتیچ و کوپریش کیچ و همچنین رویه کمیسیون آمریکایی حقوق بشر<sup>۳</sup> در قضیه مربوط به وقایع لاتابلادا در آرژانتین<sup>۴</sup>، همگی دال بر این واقعیت هستند که تفکیک بین افراد

۱. اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری ۱۹۹۸، ماده ۸ بند ۲ ب ۱.

۲. ICTY (International Criminal Tribunal for the former Yugoslavia).

۳. The Inter-American Commission of Human Rights (IACHR) is established under Article 33 of the American Convention on Human Rights, 1977.

۴. در این پرونده، کمیسیون آمریکایی حقوق بشر چنین نظر داد که غیرنظامیانی که مستقیماً در جنگ شرکت می‌کنند، چه منفرداً و چه بصورت عضو یک گروه، با این کار در زمره هدفهای نظامی مشروع در می‌آیند اما این مطلب تا زمانی است که آنها فعالانه در نبرد شرکت می‌نمایند.

JUAN CARLOS ABELLA, ARGENTINA, November 18, 1997 American human right commission, case 11.137.

غیرنظامی و رزمندگان در درگیری‌های مسلحانه اعم از بین‌المللی و غیربین‌المللی بصورت عرف مورد پذیرش قرار گرفته است.

حتی مطابق اصل تفکیک باید کارکنان مذهبی و پزشکی نظامی در زمره اعضای نیروهای مسلح هستند را نیز غیررزمنده محسوب کرد (هنکرتز، پیشین: ۷۶). اما بر خلاف الزام به رعایت اصل تفکیک، تا کنون عربستان ۱۳۶ مسجد را در صنعا هدف قرار داده است که از این تعداد ۴۹ مسجد کاملاً تخریب شده‌اند. بیش از ۸۰ درصد از مساجد تخریب شده، بخشی از تاریخ و تمدن دینی کشور به شمار می‌آیند. به عنوان مثال، تاریخ ساخت مسجد و مرقد «الامام الصنعانی» به صدها سال پیش باز می‌گردد (w.farsnews.com, 1394). در گزارش یونیسف آمده است که از مارچ سال ۲۰۱۴ تا کنون بیش از ۷۰۰ کودک کشته شده‌اند و بیش از ۱۰۰۰ کودک بشدت زخمی شده‌اند و بیش از ۷۰۰ کودک اجبار به حضور در نیروهای نظامی شده‌اند، این شرایط در حالی است که بیش از نیمی از جمعیت ۲.۳ میلیون نفر بی‌خانمان مردم یمن را کودکان تشکیل می‌دهند که حتی از دسترسی به منابع آب و غذای سالم روزانه بدلیل تخریب شدن زیر ساختارها محروم هستند (Yemen's war, 2016). از سوی دیگر از جمله دلایل ویرانی‌ها و بی‌خانمان شدن و وخیم شدن اوضاع مردم یمن، در گزارش کمیته بین‌المللی صلیب سرخ، عدم رعایت حقوق مخاصمات مسلحانه یا حقوق بشردوستانه قید شده است<sup>۱</sup> تا آنجا که کمیته تمامی طرفین درگیر اعم از دولتی و غیردولتی را به رعایت حقوق بردوستانه دعوت می‌کند (Christine Beerli, 2016).

سازمان دیده‌بان حقوق بشر روز یکشنبه اعلام کرد که ائتلاف عربی به سرکردگی عربستان همچنان از بمب‌های ممنوعه خوشه‌ای در جنگ یمن استفاده می‌کند. مدیر بخش تسلیحات و حقوق بشر سازمان دیده‌بان حقوق بشر افزود: عربستان و همپیمانان این کشور در ائتلاف عربی، از بمب‌های خوشه‌ای استفاده می‌کنند و قوانین بین‌المللی که استفاده از این بمب‌ها را در هر شرایطی ممنوع کرده است را زیر پانهاده‌اند. گوس ادامه داد: ائتلاف عربی به سرکردگی

1. International humanitarian law for the protection of civilians in international and non-international armed conflict is clearly established and binding for all parties to armed conflict, State and non-State. The ICRC continues to believe that the current legal framework for the protection of civilians remains relevant and that the main challenge in protecting civilians centers on greater compliance with IHL by all parties to armed conflicts.

عربستان، باید از تلفاتی که بر اثر این حملات به غیرنظامیان یمنی وارد شده تحقیق و از به کارگرفتن این گونه سلاح‌ها فوری خودداری کند. براساس بیانیه سازمان جهانی و بر اساس تحقیقات دیده‌بان حقوق بشر و سازمان عفو بین‌الملل و سازمان ملل متحد و گزارش شاهدان عینی و قربانیان و عکس‌ها نشان می‌دهد که ائتلاف عربی به سرکردگی عربستان از بمب‌های خوشه‌ای استفاده می‌کند.

سازمان دیده بان حقوق بشر با بیان اینکه ائتلاف عربی مسئول همه حملاتی است که با بمب‌های خوشه‌ای صورت می‌گیرد، افزود: عربستان تنها منبعی است که هواپیما و سکوهای پرتاب موشک‌هایی را در اختیار دارد که قادرند از شش نوع بمب خوشه‌ای، پنج نوع از آن را به کار برده است. یکی از بمب‌هایی که عربستان علیه ملت یمن به کار می‌گیرد، از نوع «سی بی سیو - ۱۰۵» است که دارای حسگر بوده و ساخت شرکت آمریکایی «تکسترون» در ایالت ماساچوست است (www.hrw.org, 2016).

### ۳.۲.۲ - رفتار با غیرنظامیان و افراد خارج از صحنه نبرد

سازمان پزشکان بدون مرز اعلام کرده که در حملات ائتلاف عربستان سعودی به یمن، علاوه بر راننده یک آمبولانس این نهاد امدادی، چندین نفر از مردم یمن هم نیز تاکنون کشته شدند. این نهاد غیردولتی اعلام کرد، تجاوزهای نظامی سعودی‌ها و حامیانش به پرسنل پزشکی و نهادهای امدادی بین‌المللی هم همچنان ادامه دارد (w.farsnews.com, ۱۳۹۴). در پی اینگونه حملات و نقض فاحش حقوق بشردوستانه، دبیرکل سازمان ملل نیز این اقدام و سایر اقدامات کشورهای ائتلاف در حمله به یمن را محکوم و صریحاً خواستار احترام به حقوق بشردوستانه و رعایت احترام نسبت به افراد خارج از جبهه نبرد و کارکنان بیمارستانی و اماکن مورد حمایت کنوانسیون‌های ژنو شد (UN chief, 2016). لذا به نظر می‌رسد عامل اصلی در وخامت اوضاع انسانی در یمن، حملات کورکورانه و عدم تفکیک قائل شدن میان مناطق نظامی و غیرنظامی باشد، امری که در ماده ۵۱ (۴) از پروتکل الحاقی اول گنجانیده شده است. ممنوعیت حملات کورکورانه در پروتکل دوم و پروتکل اصلاحی



دوم منضم به برخی سلاح‌های متعارف نیز منظور شده است.<sup>۱</sup> این امر در حالی است که شروع به حمله که انتظار می‌رود باعث تلفات غیرنظامیان، آسیب به غیرنظامیان، صدمه به اموال غیرنظامی و یاترکیبی از این موارد گردد، و این خسارات زیاده بر مزیت عینی و مستقیم نظامی مورد انتظار باشد، ممنوع است (هنکرتز، پیشین: ۱۲۱).

از سویی دیگر در لزوم رفتار متناسب با غیرنظامیان، اصل تناسب در حمله در ماده ۵۱ (۵ ب) از پروتکل الحاقی اول تدوین شده و در ماده ۵۷ تکرار شده است. قدر مسلم آن است که در هدایت عملیات نظامی دقت ویژه‌ای برای جدا کردن جمعیت غیرنظامی، غیرنظامیان و اموال غیرنظامی باید به عمل آید. همه اقدامات احتیاطی قابل پیش بینی به منظور اجتناب و در هر شرایطی به حداقل رساندن تلفات تصادفی بر غیرنظامیان، صدمه به غیرنظامیان و ایراد خسارت به اموال غیرنظامی باید اتخاذ شوند. توجه به اصل رعایت اقدامات احتیاطی در جریان حمله، ابتدائاً در ماده ۲ (۳) کنوانسیون ۱۹۰۷ لاهه وضع شد که مقرر می‌دارد که اگر به دلایل نظامی، اقدام فوری علیه اهداف دریایی یا نظامی واقع در شهر یا بندری بی دفاع ضرورت یابد و هیچ فرصتی نیز نتواند به دشمن داد، در این صورت فرمانده نیروی دریایی، باید تمامی تدابیر لازم را برای به حداقل رساندن صدمات به شهر به عمل آورد.<sup>۲</sup>

موضوعی که در پاراگراف ۱۴ قطعنامه ۲۲۱۶ در خصوص تاکید بر رعایت حقوق مخاصمات و آزادی‌های فردی اشخاص تحت نظر گرفته شده بدان اشاره شده است، بیانگر لزوم رعایت حقوق بشر در جریان درگیری‌های مسلحانه در یمن است. موضوعی که در کنفرانس ۱۹۶۸ حقوق بشر تهران در سال ۱۹۶۸ اتخاذ گردید و قطعنامه‌ای که در همان سال به تصویب مجمع عمومی سازمان ملل با موضوع «حقوق بشر در جریان درگیری‌های مسلحانه» رسید.<sup>۳</sup>

لذا جدای از اسناد متعدد بین‌المللی، عرف حقوق مخاصمات و حقوق در جنگ نیز بعنوان یک قاعده آمره، لزوم رفتار توأم با انسانیت با غیرنظامیان و افراد خارج از صحنه نبرد را

۱. پروتکل ۲ کنوانسیون برخی سلاح‌های متعارف، ماده ۳ بند ۳؛ پروتکل اصلاحی دوم کنوانسیون برخی سلاح‌های متعارف، ماده ۳ بند ۸.

۲. کنوانسیون نهم لاهه ۱۹۰۷، ماده ۲ بند ۳.

3. A/res/2444, xxiii, respect for human right on armed conflict, 19 dec 1968.

پذیرفته است، امری که در ماده ۳ مشترک کنوانسیون‌های ژنو و همچنین در مقررات کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو بدان اشاره شده است. هر چند معنای واقعی «رفتار انسانی» بیان نشده است اما برخی متون از آن به رعایت کرامت انسانی یا منع بدرفتاری<sup>۱</sup> تعبیر کرده‌اند.<sup>۲</sup>

### ۳.۲.۳ - حفظ انضباط

فرمان به نقض حقوق بین‌الملل با مسامحه نسبت به نقض آن و استفاده از مزدوران و شرکت‌های خصوصی خارجی مانند بلک واتر در جریان جنگ یمن، بی‌تردید موجب توجیه رفتار زیردستان و سربازان و مسئولیت کشورهای استفاده‌کننده از آن نیروها خواهد

۱. بدلیل مبهم بودن مفهوم شأنیت انسانی، مطابق کیفرخواست صادره و بر اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری یوگسلاوی، متهمین کواک و وکویک نیز به شرح زیر متهم شدند:

کواک: جرم علیه بشریت و شأنیت انسانیت - تجاوز و به بردگی گرفتن مطابق قانون و عرف مستخرج از شأنیت انسانی و حاکم بر جنگ.

وکویک: جرم علیه بشریت و شأنیت انسانیت - تجاوز و به بردگی گرفتن مطابق قانون و عرف مستخرج از شأنیت انسانی و حاکم بر جنگ - شکنجه.

نسبت به تعریف جرم هتک حرمت و شأنیت انسانی که مربوط به کواک بود نیز تجدید نظر خواهی صورت گرفت و او معتقد بود شعبه بدوی تعیین نکرده است، افعالی که تشکیل دهنده هتک حرمت و شأنیت انسانی یا قصد خاص برای تحقیر کردن یا پست کردن قربانی می‌باشند، چیست. شعبه تجدید نظر نیز بیان داشت که هتک حرمت بر اساس هر عملی که شأنیت انسانی را به وسیله عمل یا ترک عمل و به صورت کلی عاملی برای پست کردن جدی یا خفت دادن یا حمله جدی به شأنیت انسانی باشد را در نظر می‌گیرد و اعتراض در این خصوص را نیز رد نمود.

Icty case, dragoljab kunarac, radomir kovac, Zoran vokovic, case no: it - 96-23-it- 96-23/1-a, date 12 jun 2002.

از دیگر اتهامات وارده به متهمان، در شعبه بدوی، مسئولیت آنان به دلیل حبس و انباشتن افراد بود و شعبه بدوی بر این باور بود که این اعمال بر اساس مواد ۳ و ۵ اساسنامه دیوان یوگسلاوی، نوعی شکنجه و رفتار غیر انسانی است و اعمال متهمان محکوم می‌شوند.

۲. متونی که از اصطلاح کرامت (dignity) استفاده کرده‌اند؛ عبارتند از: میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی (ماده ۱۰ بند ۱)، کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر (ماده ۵)، منشور آفریقایی حقوق بشر و مردم (ماده ۵)، مجموعه اصول برای حمایت از تمامی اشخاصی که تحت هر شکل بازداشت یا حبس بسر می‌برند (اصل ۱)، اصول رفتار با اسرا (بند ۱)، نظریه عمومی کمیته حقوق بشر سازمان ملل متحد (شماره ۲۱ - ماده ۱۰ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی)، قضیه آکسوفسکی در دیوان بین‌المللی برای یوگسلاوی سابق، منشور دادگاه نظامی نورنبرگ (ماده ۶).

شد<sup>۱</sup> موضوع مهمی که در جریان جنگ یمن به شکل پیچیده‌ای از سوی گروه‌های القاعده، دولت مستعفی و نیروهای ائتلاف دیده می‌شود. طبق بند ۲ ماده ۸۶ پروتکل الحاقی اول، مقام‌های مافوقی که زیر دستان آنها کنوانسیون را نقض می‌کنند، از مسئولیت انضباطی یا کیفری نمی‌توانند مبری باشند اگر از این عمل آگاهی داشته باشند یا اینکه شرایطی حتماً از اینکه جانشین آنها مرتکب شده یا قصد ارتکاب چنین نقضی را داشته است، باید مطلع می‌بودند. با در نظر گرفتن تحولات و جنگ فرسایشی و بیش از یکساله در یمن، و از سوی دیگر هشدارها و محکومیت‌های مختلف سازمان‌های غیردولتی و دولتی و دبیر کل سازمان ملل در خصوص نقض قواعد حاکم بر جنگ و اجرایی نشدن اهداف قطعنامه ۲۲۱۶ و نبود انضباط در رساندن کمک‌های بشردوستانه (بر اساس گزارش برنامه غذای سازمان ملل، ۸ میلیون نفر دارای عدم وجود امنیت غذایی، بدلیل نبود غذا و توزیع نامناسب در شهرهای یمن قرار دارند و در سال ۲۰۱۶ ۷.۶ میلیون نفر به کمک‌های فوری و کمک‌های بشردوستانه خارجی نیاز دارند و نکته حائز اهمیت این است که برنامه غذا سازمان ملل، تنها توانسته است به ۱.۸ میلیون نفر از جمعیت حدود ۲۵ میلیونی یمن در ۱۹ استان غذا و آذوقه برساند و کمیته بین‌المللی صلیب سرخ تنها در شهرهای صنعا، عدن، تعز و شش شهر بزرگ دیگر یمن کمپ‌های امدادی را برپا کرده است و حتی مورد حمله و بمباران مراکز درمانی و آمبولانس‌های خود قرار گرفته است (Yemen: Hard living conditions, 2013)) (Yemen: UN delivers life-saving food, 2015)، مسلم است که اقدامات گروه ائتلاف نه تنها دارای انضباط لازم در جنگ نیست بلکه ناقض قواعد حقوق در جنگ نیز بحساب می‌آید. موضوع مورد این است که بند ۲ ماده ۴۹ کنوانسیون اول ژنو، دولت‌ها را از نقض وسیعی که اتفاق افتاده، آگاهی داشته باشند، به عکس العمل متعهد می‌کند و رسیدگی‌ها باید در هر شرایطی انجام شوند و مطابق ماده ۴۹ معاهده اول، ماده ۵۰ معاهده دوم، ماده ۱۲۹ معاهده سوم و ماده ۱۴۶ معاهده چهارم ژنو و ماده ۵۸ پروتکل الحاقی اول، هر دولتی

۱. پیش‌نویس طرح معاهده مسئولیت بین‌المللی کشورها در برابر اعمال متخلفانه بین‌المللی ۲۰۰۱، مواد ۶ و ۷ و ۸.

می‌تواند ناقضین فاحش حقوق بین‌الملل بشردوستانه را مجازات و تعقیب کند  
(w.icrc.org,2016)!

## دست‌آورد

شاید بتوان اصلی‌ترین هوشمندی انصارالله در یمن را رسیدن به یک تفاهم‌نامه با جنبش حراک جنوبی برای سپردن بخش جنوب یمن به این جنبش دانست تا شورای امنیت را متوجه لزوم اجرای واقعی عدالت انتقالی در این کشور با وجود معترضان داخلی متعدد در اقسام نقاط یمن کند. انصارالله با توجه به مناطق استراتژیک شمال یمن در مرز عربستان و استان مارب که دارای ویژگی‌های ژئوپلیتیکی مهمی است، تمرکز خود را به شمال معطوف کرده. این حرکت ضمن کم کردن فشار از روی نیروهای انصارالله، آنان را از اصلی‌ترین اتهام‌ها مبنی بر تسلط یک‌جانبه بر کل یمن مبرا و لذا صلح یمنی-یمنی را بیش از پیش تقویت و مبانی انجام مذاکره جهت عدالت انتقالی را تسریع می‌بخشد. اما با تصویب قطعنامه ۲۲۱۶ و درج شدن موضوعات مختلف از جمله رعایت حقوق بشردوستانه، منع سربازگیری از میان کودکان و اعمال شدن نظارت و بازرسی تمام محموله‌های دریایی توسط کشورها و خصوصاً کشورهای ائتلاف و همسایه یمن و اعطاء ابتکار عمل در ایجاد شرایط گذار سیاسی با عدالت انتقالی از سوی شورای امنیت به شورای همکاری خلیج فارس، موجب شده است تا با مستمسک قرار دادن نظریه دعوت به مداخله و مشروعیت بخشی به نظریه مسئولیت حمایت در قطعنامه ۲۲۱۶، عملاً کلاف سردرگمی بمنظور نظارت

◆ فصلنامه مطالعات بین‌المللی (ISJ) / شماره ۴۹ / ۱۵۳

۱. لازم به ذکر است که یمن در ۱۶/۷/۱۹۷۰ معاهدات چهارگانه ژنو را تصویب نمود و پروتکل‌های اول و دوم الحاقی را نیز در ۱۷/۴/۱۹۹۰ پذیرفت و معاهده ۱۹۸۹ حقوق کودک را نیز در ۱۹۹۱ به همراه پروتکل سال ۲۰۰۰ کودکان در مخاصمات مسلحانه را در ۲/۳/۲۰۰۷ تصویب کرده است. عربستان نیز در ۱۹۶۳ معاهدات چهارگانه ژنو را پذیرفته و در ۲۱/۸/۱۹۸۷ پروتکل اول الحاقی ژنو و در ۲۸/۱۱/۲۰۰۱ پروتکل الحاقی دوم را پذیرفته و ۱۹۹۶/۱/۲۶ کنوانسیون حقوق کودک ۱۹۸۹ را تصویب نمود و پروتکل سال ۲۰۰۰ کودکان در مخاصمات مسلحانه را در ۱۰/۶/۲۰۱۱ پذیرفته است. نکته حائز اهمیت دیگر پذیرش کنوانسیون ۱۹۵۴ لاهه در خصوص حمایت از اموال فرهنگی است که عربستان آن را نیز در ۲۰/۱/۱۹۷۱ پذیرفته و حتی به عضویت پروتکل سوم ممنوعیت به کارگیری سلاح‌های آتش‌زا یا آتش‌افزا ۱۹۸۰ نیز در ۷/۱۲/۲۰۰۷ در آمده است.

بر اقدامات شورای همکاری خلیج فارس در حمله به یمن ایجاد شود. موضوعی که سکوت نسبت به آن، موجب ویرانی زیرساخت‌ها و نقض تمامی قواعد حاکم بر جنگ تا کنون شده است و مجامع بین‌المللی را به واکنش شدید باز داشته است و حتی شرایط گذار سیاسی را نیز بسیار طولانی و ناممکن نموده است.

هر چند در جریان مذاکرات سیاسی و خارج از قطعنامه ۲۲۱۶ و با رایزنی‌های فرستاده ویژه سازمان ملل در امور یمن، ابتکار رایزنی و فراهم نمودن شرایط عدالت انتقالی تا حد بالایی از عربستان و شورای همکاری خلیج فارس گرفته شد اما، همچنان فرسایشی شدن این گذار، موجب کشته، زخمی و ویران شدن تاسیسات و زیر ساخت‌های یمن شده است تا آنجا که بر اساس گزارشات، ۸۰ درصد زیرساخت‌های یمن در اثر حملات گروه ائتلاف تا کنون از بین رفته است و این موضوع، خلاف متن مصرح قواعد حاکم بر جنگ که مورد پذیرش تمامی کشورهاست، می‌باشد.

علیهذا در این پژوهش ضمن ارائه گزارشات و نقد اسناد متعدد بین‌المللی، به این نتیجه نائل آمده ایم که مشروعیت بخشی بخشی مقدمه قطعنامه ۲۲۱۶ به نظریه مسئولیت و مداخله شورای همکاری خلیج فارس و اتحادیه عرب در یمن، موجب عدم اعمال نظارت موثر بر اقدامات این کشورها شده است و حتی فرآیند عدالت انتقالی را نیز متاثر از واقعیات سیاسی نموده تا آنجا که عملاً نتوانسته است مندرجات حقوق بشردوستانه‌ای قطعنامه (از جمله احترام به اماکن درمانی و غیر نظامی، عدم سرپازگیری کودکان، پخش و توزیع کمک‌های بشردوستانه، عدم بکارگیری از سلاح‌های کوچک، تضمین آزادی‌های افراد تحت نظر گرفته شده و ...) را رعایت کند.

## منابع و مأخذ

### الف) فارسی

۱. آقایی، سید داوود، احمدیان، حسن، سازمان‌های منطقه‌ای و دموکراتیزاسیون، فصلنامه علوم سیاسی، ش ۱۱، پاییز ۱۳۸۸
۲. اسماعیل نسب، حسین، مجموعه مهمترین اسناد کاربردی حقوق بین‌الملل، تهران، جنگل، ۱۳۹۳
۳. بیگ زاده، ابراهیم، جزوه جزوه حقوق بین‌الملل عمومی، جلد اول، دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۸۵
۴. حلمی، نصرت‌الله، مسئولیت بین‌المللی دولتها و حمایت سیاسی، تهران، میزان، چاپ دوم، ۱۳۹۰
۵. زرگری، هادی، سیاست خارجی امریکا و چین در سودان؛ کنش‌های مخالف، تهران: اندیشه سازان نور، ۱۳۹۳
۶. ذاکریان، مهدی، عمادی، سید رضی، سازو کارها و کارکرد عدالت انتقالی: تحول مهم در حقوق بین‌الملل، فصلنامه سازمان‌های بین‌المللی، سال اول، ش ۱، ۱۳۹۲
۷. ساعد وکیل، امیر، حقوق بشر، صلح و امنیت بین‌المللی، تهران، مجد، چاپ دوم، ۱۳۹۱
۸. شفیعی، نوذر، مرادی، فرزانه، همکاری و مشارکت میام سازمان‌های منطقه‌ای و سازمان ملل متحد به منظور جفظ صلح و امنیت بین‌المللی مطالعه موردی اتحادیه اروپا، پژوهش‌های روابط بین‌الملل، ش ۶، ۱۳۹۱
۹. عباس زادگان فتح‌الله ابادی، مهدی، القاعده پس از ۱۱ سپتامبر (با تاکید بر عراق)، فصلنامه سیاست، دانشگاه تهران، دوره ۴۰، شماره ۲، ۱۳۸۹
۱۰. فلک، دیتر، حقوق بشردوستانه در مخاصمات مسلحانه، ترجمه: سید قاسم زمانی و نادر ساعد، تهران، شهردانش، چاپ سوم، ۱۳۹۲
۱۱. قربان‌نیا، ناصر، قادری، سیدمحمدهادی، دکترین مسئولیت حمایت و تلاش برای مقابله با فجایع انسانی، فصلنامه علوم سیاسی - روابط خارجی، سال ۵، ش ۱۷، بهار ۹۲
۱۲. ضیایی بیگدلی، محمدرضا، حقوق بین‌الملل عمومی، تهران، گنج دانش، ۱۳۸۶
۱۳. ضیایی بیگدلی، محمدرضا، و همکاران، گزارش نشست تخصصی بحران اوکراین در پرتو حقوق بین‌الملل مورخ ۴ خرداد ماه ۱۳۹۳
۱۴. میرمحمدی، سید مصطفی، اصل عدم مداخله در اسلام و حقوق بین‌الملل، قم، انتشارات دانشگاه مفید، ۱۳۹۱

۱۵. هنکرتز، ژان ماری، دوسوالدبک، لوئیس، حقوقین الملل بشردوستانه عرفی، ترجمه : کتابون حسین نژاد، پوریا عسگری، تهران، مجلد، چاپ دوم، ۱۳۹۱

## ب) سایت

۱. کراسامر، چالز، رابطه دموکراسی و مداخله خارجی: پارادوکس سیاست خارجی ایالات متحده، به نقل از سایت خبری و تحلیلی: <http://www.ketabkhanemelli.com>، ۱۳۹۳/۸/۱۱.

2. <http://www.humanrightwatch.org>, 1 jan 2016.
3. <http://www.icrc.org>, saudia Arabia, visited 16/feb/2016.
4. <https://www.hrw.org>, 6 jan 2016.
5. <http://www.farsnews.com>, 11/8/1394.
6. <http://www.farsnews.com>, 11/8/1394.

## C. English

1. alexander, jane; a scoping study of transitional justice and poverty reduction, London, department for international law, 2003, available on : [http://www.grc\\_exchange.org](http://www.grc_exchange.org), 11 feb 2016.
2. A/res/2444, xxiii, respect for human right on armed conflict, 19 dec 1968
3. Ban Ki-moon's speeches, *Address to the National Defense College of Oman, "The United Nations and Conflict Prevention in a Changing World" Muscat (Oman), 01 February 2016*, available on <http://www.un.org>
4. convention on prohibitions or restrictions on the use of certain conventional weapons which may be deemed to be excessively injurious or to have indiscriminate effects. Geneva, 10 October 1980. ART 1 & 7 .
5. Divisions in Sudan's Ruling Party and the Threat to the Country's Stability, , <http://www.crisisgroup.org>/4 May 2011
6. Jonglei, South Sudan "We Have Always Been at War, <http://www.crisisgroup.org/south-sudan>, 22 Dec 2014.
7. unhr (the un refuge agency) report about yemen refuge, January 2015, available on <http://www.echr.coe>.
8. joel h, westra, international law and the use of armed force (the un charter the major powers), routledge pub, London, 2007
9. JUAN CARLOS ABELLA, ARGENTINA, November 18, 1997 American human right commission, case 11.137.
10. human right in armed conflicts. Resolution xxiii adopted by the international conference on human rights. Tehran 12 may 1968
11. Optional protocol to the convention on the rights of the child on the involvement of children in armed conflict, 25 may 2000.
12. resolution on small – caliber weapon system. Geneva 28 September 1979.

- 13 . Icty case, dragoljab kunarac, radomir kovac, Zoran vokovic, case no: it – 96-23-it-96-23/1-a, date 12 jun 2002.
- 14 . Yemen: UN delivers life-saving food aid to nearly 150,000 besieged residents in Taiz, <http://www.un.org>, 10 December 2015
- 15 . Yemen's war-weary children face 'new year of pain and suffering' – UNICEF official report, 12 January 2016, <http://www.un.org>.
- 16 . Yemen: Desperately needed medical supplies reach Taiz, <https://www.icrc.org>, 17 feb 2016.
- 17 . *Yemen: Hard living conditions and a difficult security environment*, [www.icrc.org](http://www.icrc.org), 18-09-2013
- 18 . Yemen: UN delivers life-saving food aid to nearly 150,000 besieged residents in Taiz/ <http://www.un.org/10 December 2015>
- 19 . What can the kingdom do next? Stop/start, <http://www.economist.com>, middle east and Africa, Apr 25th 2015.
- 20 . The Inter-American Commission of Human Rights (IACHR) is established under Article 33 of the American Convention on Human Rights, 197. .
- 21 . The arms trade treaty, 2 april 2013.
- 22 . *Speech given by Christine Beerli, vice-president of the ICRC, at the UN Security Council debate on the protection of civilians*. [www.icrc.org/](http://www.icrc.org/) 19 JANUARY 2016.
- 23 . UN chief condemns attack on Yemeni hospital supported by Médecins Sans Frontière, <http://www.un.org>, 11 January 2016.

